

## چارچوب برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی

نیره حسینی<sup>۱</sup>

دکتر محسن خادمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: 94/01/09

تاریخ پذیرش: 94/03/17

### چکیده

در دوران گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، نظام‌های آموزشی ناگزیر از تغییر و تحول متناسب با نیازمندی‌های عصر کنونی می‌باشند. امروزه دانش‌آموزان نیازمند کسب مهارت‌هایی هستند که آنها را در امر پردازش و استفاده از اطلاعات تا رسیدن به دانش خودساخته یاری نماید و از آنان یادگیرندگانی مستقل و همیشگی بسازد که مدیر یادگیری خود باشند. از آنجا که رسیدن به یادگیری مادام‌العمر، یکی از نتایج بلافصل سواد اطلاعاتی است؛ این امر در سایه کسب مهارت‌های سواد اطلاعاتی محقق می‌شود. فراگیری مهارت‌های سواد اطلاعاتی در سال‌های اولیه مدرسه بدلیل زیربنایی بودن آموزش در این سنین، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحقیق حاضر با هدف ارائه چارچوبی برای برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، انجام شد. به این منظور ابتدا با مطالعه منابع و متون مربوط، استانداردهای سواد اطلاعاتی و عناصر اساسی برنامه درسی تعریف و مشخص گشت. سپس با توجه به استانداردهای سواد اطلاعاتی و نیز با عنایت به نتایج حاصل از پژوهش‌های نزدیک با موضوع تحقیق، ویژگی‌های عناصر اساسی برنامه درسی (هدف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی) بر مبنای توسعه سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، استنباط و توصیف گردید و چارچوب کلی برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی دوره ابتدایی، تدوین و ارائه گشت. بر اساس این چارچوب، ویژگی‌های هر یک از عناصر اساسی برنامه درسی به گونه‌ای می‌باشد که در نهایت یک فراگیر مستقل، خودراهر و پژوهنده و یادگیرنده مادام‌العمر را تربیت نماید.

**کلید واژه‌ها:** سواد اطلاعاتی، برنامه درسی، دوره ابتدایی، درسنامه

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز hosseininayyereh@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه شیراز دانشکده علوم تربیتی. دکتری برنامه ریزی درسی

## مقدمه

یکی از اصول تعلیم و تربیت که همواره باید مدنظر طراحان برنامه‌های درسی باشد این است که دانش‌آموزان با توجه به مقتضیات و ویژگی‌های عصری که در آن زندگی می‌کنند و خواهند کرد، تربیت شوند. عصر ما عصر اطلاعات است. در این عصر، داشتن سواد، معنا و مفهوم گذشته خود را از دست داده است. در حقیقت اگر مفهوم سواد را به صورت یک طیف معنایی در نظر بگیریم، از بیسوادی مطلق یعنی وضعیتی که فرد نمی‌تواند بخواند و بنویسد آغاز می‌شود و در درجات بعد به بیسوادی عملکردی می‌رسد. کولثا<sup>1</sup> معتقد است طیف معنایی سواد تا مرحله‌ای الزامی است که جامعه اطلاعاتی بر ما تحمیل کرده است و در این مرحله، باسواد کسی است که بتواند اطلاعات را مکان‌یابی و در جهت حل مشکلات از آنها استفاده نماید. بورچینال<sup>2</sup> نیز عقیده دارد با رسیدن طیف معنای سواد به این مرحله، مفهوم سواد به سواد اطلاعاتی<sup>3</sup> تغییر می‌کند (طباطبایی، 1378). به نظر راکمن<sup>4</sup> (2004) نیز سواد اطلاعاتی، مورد نیاز جامعه اطلاعاتی است. لی<sup>5</sup> (2006) سواد اطلاعاتی را در هفت حوزه منابع اطلاعاتی، نیازهای اطلاعاتی، تحقیق و جستجو در اطلاعات، تحلیل اطلاعات، مدیریت اطلاعات، فناوری اطلاعات و اخلاق اطلاعاتی دسته‌بندی کرده است. سواد اطلاعاتی شامل مهارت‌های تشخیص نیاز اطلاعاتی، جایابی منابع، دسترسی، بررسی، گزینش دقیق، استخراج، ضبط اطلاعات، تفسیر و نقادی، سازماندهی، ارائه و ارزشیابی نهایی می‌باشد. لذا آن را می‌توان با تولید دانش برابر دانست (حیدری و همکاران، 1386).

به دست آوردن مهارت سواد اطلاعاتی، همانند هر نوع سواد دیگری از قبیل سواد خواندن و نوشتن، سواد رایانه‌ای و ... نیازمند آموزش و تمرین است. باباراجی فورد (1994) اظهار می‌دارد در عصر انفجار اطلاعات، سواد اطلاعاتی باید جزئی از تجربه آموزشی هر دانش‌آموز باشد. یونسکو<sup>6</sup> (2002) لازمه مشارکت دانش‌آموزان به عنوان اعضای جامعه را داشتن این نوع سواد (سواد اطلاعاتی) تلقی می‌کند. از این رو بسیاری از کشورهای جهان سعی دارند آموزش‌های سواد

---

<sup>1</sup> kuhlthau

<sup>2</sup> Burchinal

<sup>3</sup> Information literacy

<sup>4</sup> Rockman

<sup>5</sup> Lee

<sup>6</sup> UNESCO

اطلاعاتی را در برنامه‌های نظام آموزشی خود بگنجانند. از جمله کشورهای آسیایی می‌توان به چین و سنگاپور اشاره کرد. در سنگاپور مهارت‌های سواد اطلاعاتی در مقطع آموزش ابتدایی و متوسطه، بر اساس مصوبات وزارت آموزش و پرورش، به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود (حیدری و موسی‌پور، 1385).

متأسفانه سواد اطلاعاتی در برخی کشورهای در حال توسعه، بیشتر به عنوان نیاز محققان، استادان و دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی در نظر گرفته می‌شود در حالیکه سنگ بنای آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی باید از همان سال‌های ابتدایی و متوسطه گذاشته شود تا در دوره‌های تحصیلات دانشگاهی که نیاز به تحقیق و پژوهش، شکل کامل‌تر و پیشرفته‌تری به خود می‌گیرد، این آموزش قبلاً صورت گرفته (شریف‌مقدم و طالبی، 1384) و مهارت‌های آن در وجود فراگیر، درونی و نهادینه شده باشد. لذا برای جلوگیری از ناتوانی‌های آینده، بیش از هر گروهی، کودکان نیاز به یادگیری مهارت‌های سواد اطلاعاتی دارند. ضمن اینکه همچنین جا دارد دانش-آموزان دوره ابتدایی با کسب مهارت‌های سواد اطلاعاتی از امکانات و گستردگی اطلاعات در جهان امروز برای یادگیری عمیق و گسترده‌تر در خصوص محتوای درسنامه‌های خویش، به نحو مطلوبی استفاده ببرند. کودکان از یادگیری به وجد می‌آیند و مرتباً سؤال می‌کنند و به منظور هدایت و به جریان انداختن این هیجان ذاتی، سال‌های اولیه مدرسه، بهترین زمان آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی است. اکثر نظریه‌پردازان نیز مدارس را به عنوان اولین مرحله بنیادی کسب مهارت سواد اطلاعاتی تشخیص داده‌اند (روسلی، 2004).

از نظر برنامه‌ریزان کتب درسی، هدف کلی آموزش در سطح ملی، انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات مجرد، پراکنده و صرفاً علمی به ذهن دانش‌آموزان نیست. بلکه هدف، فراهم کردن شرایطی است که یادگیرنده قابلیت و توانایی آن را پیدا کند که در تمام عمر به کسب سواد علمی مورد نیاز خود بپردازد؛ که این مسأله امروزه به آموزش مادام‌العمر مشهور است (سازمان پژوهش و تألیف کتاب‌های درسی، 1381). رسیدن به یادگیری مادام‌العمر، یکی از نتایج بلافصل سواد اطلاعاتی است و در سایه کسب مهارت‌های سواد اطلاعاتی، قابل تحقق خواهد بود (حیدری و موسی‌پور، 1385). دانش-آموزی که سواد اطلاعاتی دارد یک فراگیر مستقل و باصلاحیت است (عینی، 1388). وی مدیر

یادگیری خویش خواهد بود و یادگیرنده‌ای است که در مسیر فرایند تولید دانش پیش می‌رود. سواد اطلاعاتی برای دانش‌آموزان یک فرایند یادگیری را مهیا می‌کند که قابل انتقال از محیط‌های علمی و آموزشی به زندگی واقعی است (ایفلا<sup>۱</sup>، 2004).

آیزنبرگ و برکویتز (1998) معتقدند که بهترین راه یاد دادن مهارت‌های سواد اطلاعاتی، تلفیق آن در متن درس و فعالیت‌های کلاسی است (حیدری و موسی‌پور، 1385). به عبارت دیگر، زمانی که آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی در متن محتوای برنامه درسی و در زمینه نیازهای اطلاعاتی واقعی دانش‌آموزان باشد، تأثیر آن نسبت به زمانی که فرد دوره‌های آموزشی مهارت‌های سواد اطلاعاتی نظیر آشنایی با مهارت‌های اطلاع‌یابی، آشنایی با اینترنت و پایگاه‌های اطلاعاتی و ... را در قالب درسنامه "مهارت‌های سواد اطلاعاتی" طی نماید، بیشتر خواهد بود. با این حال نتایج تحقیقات اندک انجام شده، حاکی از آن است که درسنامه‌های دوره ابتدایی از حیث توجه به بسیاری از مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی، ضعیف می‌باشند (حیدری، 1385؛ لطفی ماهر و درتاج، 1390؛ مور<sup>۲</sup>، 2000). با عنایت به آنچه گفته شد، هدف پژوهش حاضر ارائه چارچوبی کلی برای برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی می‌باشد.

#### تعریف برنامه درسی و عناصر آن

برنامه درسی را به صورت‌های مختلف تعریف کرده‌اند. از نظر بسیاری از پرورشکاران، برنامه درسی اساساً شامل طرحی از موضوعات، مهارت‌ها و مطالبی است که در چهارچوبی از مراحل رسمی در اختیار متعلم قرار می‌گیرند. با پیدایش روش فعالیت، تجربه یا رویکرد فرایند، بسیاری از معلمان به سوی مفهوم عمومیت‌یافته‌تری از برنامه درسی روی آورده‌اند. از نظر اینان، برنامه درسی شامل همه تجربه‌هایی است که مدرسه مسئولیت عرضه آنها را به دانش‌آموز دارد (گوتک<sup>۳</sup>، 1388).

به نظر آیزنر<sup>۴</sup> (1994) برنامه درسی یک مدرسه، یک درس، یا یک کلاس را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از وقایع از قبل پیش‌بینی شده دانست که به قصد دستیابی به نتایج آموزشی - تربیتی برای یک یا گروهی از دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است.

<sup>1</sup> Ifla

<sup>2</sup> Moore

<sup>3</sup> Gutek

<sup>4</sup> Eisher

گلاتثورن<sup>۱</sup> و همکاران (2011) اظهار می‌دارند برنامه درسی عبارت است از طرح‌های ارائه شده به منظور راهنمایی یادگیری (آموزش) در مدارس. به نظر آنان برنامه درسی همچنین شامل تجربیاتی است که در محیط یادگیری اتفاق می‌افتند و بر آنچه که یاد گرفته می‌شود، تأثیر می‌گذارد. در تعریفی دیگر برنامه درسی، کلیه فعالیت‌های یادگیری فراگیر، انواع وسایل آموزشی، اصول راهبردهای یادگیری، و شرایط اجرای برنامه را شامل می‌شود (لوی<sup>۲</sup>، 1386). شریعتمداری (1375) نیز برنامه درسی را مجموعه تجربه‌هایی می‌داند که بر حسب طرح و نقشه‌ای، فراگیرندگان در محیط آموزشی در معرض آن قرار می‌گیرند. برنامه درسی همچنین به عنوان سند مکتوب یا راهنمای برنامه درسی و مجموعه تصمیم‌های گرفته شده توسط برنامه‌ریزان برای هدایت جریان یادگیری در نظر گرفته می‌شود (مهرمحمدی و همکاران، 1381).

در مفهوم عام، برنامه درسی را می‌توان به عنوان تجارب سازمان‌یافته‌ای تعریف کرد که متعلم، تحت راهنمایی و نظارت مدرسه کسب می‌کند. در مفهوم محدودتری، برنامه درسی شامل رشته منظمی از واحدهای درسی و موضوعاتی است که برنامه آموزشی رسمی مدرسه را تشکیل می‌دهند. این دو تعریف بنیادین از برنامه درسی و انواع مختلفی که بینابین این دو قرار می‌گیرند، بر مفاهیم ویژه‌ای از دانش و ارزش مبتنی هستند (گوتک، 1388). بر مبنای این دو تعریف بنیادین، برنامه درسی را می‌توان در دو شکل برنامه درسی موضوع‌مدار و برنامه درسی فرایندمدار به صورت زیر تعریف نمود: برنامه درسی موضوع‌مدار حاوی یک سری معارف متمایز است که به صورت سلسله-مراتبی سازمان داده می‌شوند و تمرکز برنامه بر موضوع یا محتوا بوده و هدف آن کسب محتوای برنامه توسط فراگیر می‌باشد. در مقابل، برنامه درسی فرایندمدار بر پایه نیازها و علایق فراگیر و شرایط و مسائل اجتماعی روز، حاوی مجموعه‌ای از مراحل مشکل‌گشایانه است که بر اساس روش پژوهش علمی یا روش آزمایش‌گرایانه دیوئی، شکل گرفته است و هدف آن آشنایی فراگیران با مهارت‌های روش‌شناختی است تا به کمک آن تجربه‌های نامعین را سازماندهی کنند. به نظر می‌رسد برنامه درسی مبتنی بر توسعه اطلاعاتی، با نوع برنامه درسی فرایندمدار، همخوانی بیشتری دارد و لذا چارچوب آن بایستی بر مبنای این تعریف از برنامه درسی (برنامه درسی فرایندمدار) تدوین گردد.

<sup>1</sup> Glatthorn

<sup>2</sup> Lewy

در خصوص عناصر برنامه درسی میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد. برای نمونه تایلر، عناصر برنامه درسی را شامل اهداف و مقاصد، تجربیات یادگیری و سازماندهی و ارزشیابی می‌دانست (اش<sup>۱</sup>، 1991). به نظر آیزنر عناصر برنامه درسی شامل هدف، محتوا، انواع فرصت‌های یادگیری، سازماندهی محتوا، روش ارائه و روش پاسخ و ارزشیابی می‌باشد. بوشامپ<sup>۲</sup> عناصر برنامه درسی را متشکل از بیان هدف، محتوا، کاربرد و ارزشیابی در نظر گرفته است (بوشامپ، 1981) و از نظر کلاین<sup>۳</sup> عناصر برنامه درسی شامل اهداف، مواد آموزشی، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای یاددهی - یادگیری، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضا می‌باشد (مهرمحمدی، 1387). با این حال در اغلب پژوهش‌هایی که در حوزه مطالعات برنامه درسی ایران و جهان انجام شده است، چهار عنصر اساسی برنامه درسی شامل: هدف، محتوا، روش‌های آموزش و روش‌های ارزشیابی، مورد توجه قرار گرفته‌اند (مذبوحی و همکاران، 1392). از نظر شورای عالی آموزش و پرورش (1385) نیز برنامه درسی در دوره ابتدایی به مجموعه‌ای هماهنگ از اهداف، سرفصل‌ها، محتوای دروس، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی اطلاق می‌شود که باید زمینه لازم را برای پرورش همه‌جانبه شخصیت، استعداد، خلاقیت و توانایی دانش‌آموزان فراهم آورد. بر این اساس، در تحقیق حاضر نیز به منظور تدوین چارچوب کلی برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی، عناصر برنامه درسی در قالب اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی در نظر گرفته می‌شود.

#### مفهوم سواد اطلاعاتی و استانداردهای آن

سواد اطلاعاتی یعنی قدرت دسترسی به اطلاعات بارز، آگاهی از روش‌های مختلف جستجو و توان تشخیص مؤثرترین اطلاعاتی که برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها لازم است و نیز آگاهی از چگونگی سازماندهی اطلاعات و دانش (نوروزی، 1383). وبر و جانسون<sup>۴</sup> (2002) سواد اطلاعاتی را توانایی در اتخاذ رفتار اطلاع‌یابی مناسب به منظور شناسایی اطلاعات مورد نیاز برای تأمین نیازهای اطلاعاتی می‌دانند (منصوریان، 1383). سواد اطلاعاتی، توانایی تشخیص زمان نیاز

<sup>1</sup> Eash

<sup>2</sup> Beauchamp

<sup>3</sup> Klin

<sup>4</sup> Weber & Janson

اطلاعاتی، توانایی تعریف، جایابی، ارزیابی و استفاده مؤثر برای حل موضوع یا مسأله اطلاعاتی مورد نظر است (آرنون<sup>1</sup>، 2005). به نظر انجمن کتابخانه‌های آمریکا<sup>2</sup>، باسواد اطلاعاتی فردی است که توانایی تشخیص نیاز به اطلاعات را دارد و می‌تواند به جایابی، ارزیابی و استفاده مؤثر از اطلاعات مورد نیاز بپردازد و نحوه یادگیری را فراگیرد. چنین فردی از نحوه سازماندهی اطلاعات، آگاهی دارد و بدلیل اینکه قادر است اطلاعات مورد نیاز خود را در هر کار یا تصمیمی بیابد، برای فراگیری مادام‌العمر آماده است (انجمن کتابخانه‌های آمریکا، 1998). افراد باسواد اطلاعاتی آنهایی هستند که یاد گرفته‌اند چگونه یاد بگیرند. آنها اطلاعات صحیح و مؤثر را در مورد هر نیاز اطلاعاتی، چه در موقعیت‌های تحصیلی و چه در زندگی روزمره به شیوه‌ای مناسب بکار می‌بندند (گالر و همکاران، 1378).

از دیدگاهی مشابه، فرد باسواد اطلاعاتی به صورت زیر توصیف می‌شود: نیاز به اطلاعات را تشخیص می‌دهد؛ منابع بالقوه اطلاعات را تشخیص می‌دهد؛ راهبردهای جستجوی موفق را طراحی می‌کند؛ به منابع اطلاعات اعم از منابع رایانه‌ای و غیره دسترسی می‌یابد؛ اطلاعات را ارزیابی می‌نماید؛ اطلاعات را برای کاربرد عملی، سازماندهی می‌کند؛ اطلاعات جدید را در بدنه دانش موجود، یکپارچه می‌سازد؛ و اطلاعات را در تفکر انتقادی و حل مسأله، به کار می‌گیرد (بادن<sup>3</sup>، 2001). سواد اطلاعاتی شامل مهارت‌های تشخیص نیاز اطلاعاتی، جایابی منابع، دسترسی، بررسی، گزینش دقیق، استخراج، ضبط اطلاعات، تفسیر و نقادی، سازماندهی، ارائه و ارزشیابی نهایی می‌باشد. لذا آن را می‌توان با تولید دانش برابر دانست (حیدری و همکاران، 1386). در مجموع، فصل مشترک همه تعریف‌هایی که از سواد اطلاعاتی ارائه شده است، توانایی شناسایی درست منابع اطلاعاتی، توانایی دسترسی به آنها و توانایی استفاده هدفمند از آنها می‌باشد.

انجمن کتابخانه‌های آموزشگاهی، دانشگاهی و ملی انگلستان در سال 1999 مدلی برای تبیین مفهوم سواد اطلاعاتی ارائه کرد که گستره‌ای عام داشت. این مدل از هفت مهارت تشکیل شده و نشان می‌دهد که افرادی برخوردار از سواد اطلاعاتی خواهند بود که خود را به این مهارت‌ها مجهز سازند. توانایی در تشخیص نیاز اطلاعاتی نخستین مهارت در این زمینه است. چرا که در فرایند اطلاع‌یابی ابتدا فرد باید نیاز به کسب اطلاعات را احساس کند تا گام‌های بعدی را بردارد. مهارت

<sup>1</sup> Arnon

<sup>2</sup> American Library Association

<sup>3</sup> Bawden

دوم، توانایی وی در شناسایی روش‌های پاسخگویی به این نیاز است. این مرحله شامل شناخت منابع اطلاعاتی مناسب اعم از آثار چاپی و الکترونیکی و گزینش مناسب‌ترین آنهاست. مهارت سوم مربوط به توانایی در تدوین راهبردهای لازم برای جستجو در منابع برگزیده است. این مهارت خود مستلزم کسب آگاهی لازم نسبت به ساختار پایگاه‌های اطلاعاتی و سایر منابع مرجع خواهد بود. مهارت چهارم شامل مهارت در جستجو و بازیابی اطلاعات است و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده بهینه از خدماتی نظیر نمایه‌سازی، چکیده‌نویسی، نمایه‌های استنادی و خدمات آگاهی‌رسانی جاری را در بر می‌گیرد. مهارت پنجم مربوط به ارزیابی و مقایسه میزان اعتبار اطلاعات به دست آمده از منابع مختلف است. چرا که افراد برخوردار از سواد اطلاعاتی می‌توانند بر اساس معیارهای مشخصی میزان وثوق و اعتبار منابع را ارزیابی کنند. مهارت ششم مربوط به مهارت در سازماندهی و کاربرد بهینه اطلاعات بازیابی شده است. موفقیت در این زمینه خود مستلزم آگاهی از روش‌های مرسوم استناددهی و رعایت اصول قانونی مثل حقوق پدیدآورندگان است. مهارت هفتم توانایی ترکیب اطلاعات به دست آمده و برقراری پیوند با دانسته‌های قبلی است که می‌تواند منجر به تولید دانش جدید شود.<sup>1</sup>

یکی از مراکزی که به تدوین استانداردهای سواد اطلاعاتی برای دانش‌آموزان از سطح کودکستان تا دوازده سالگی، مبادرت ورزیده مرکز آموزشی اورت آ واقع در یکی از ایالات آمریکا است. این استانداردها به شرح زیر می‌باشند:

- 1) دانش‌آموز نیاز اطلاعاتی را تشخیص می‌دهد و سؤال را طرح می‌کند.
- 2) راهبردهای جستجوی اطلاعات: دانش‌آموز راهبردهای جستجوی اطلاعات را توسعه می‌دهد.
- 3) جایابی و دسترسی: دانش‌آموز قادر است اطلاعات مناسب از منابع مختلف را جایابی کرده و به آنها دسترسی یابد.
- 4) استفاده از اطلاعات: دانش‌آموز قادر به فهمیدن و ثبت اطلاعات است.
- 5) ترکیب و ارائه: دانش‌آموز اطلاعات موجود را به صورت‌های مختلف سازماندهی می‌کند، بکار می‌گیرد و ارائه می‌کند.
- 6) ارزشیابی: دانش‌آموز فرایند و محصول را ارزیابی می‌کند.

<sup>1</sup> Available at: [http://www.sconul.ac.uk/groups/information\\_literacy/papers/Seven\\_pillars.html](http://www.sconul.ac.uk/groups/information_literacy/papers/Seven_pillars.html)

<sup>2</sup> Everett



7) مهارت‌های اصلی: دانش‌آموز بر مهارت‌های مربوط به فناوری مسلط است.

موارد مذکور باید در زمینه یاد گرفته شوند. مثل زمانی که دانش‌آموزان در حال کار روی تکالیف مختلف و مسائل اطلاعاتی، از تکنولوژی استفاده می‌کنند (حیدری و موسی‌پور، 1385).

به طور کلی، مجموعه‌ای از استانداردها و دست‌والعمل‌هایی که برای آموزش، فراگیری و سنجش مهارت‌های سواد اطلاعاتی توسط انجمن کتابخانه‌های آموزشی امریکا، انجمن کتابخانه‌های ملی و دانشگاهی انگلیس، و انجمن کتابداران استرالیا و نیوزیلند تهیه شده است عبارتند از: تشخیص نیاز به اطلاعات؛ تشخیص ویژگی و میزان اطلاعات مورد نیاز؛ توانایی دستیابی به اطلاعات مورد نیاز به صورت مفید و مؤثر؛ توانایی بهره‌گیری از راهبردهای جستجو؛ ارزیابی منتقدانه اطلاعات و منابع اطلاعاتی بدست آمده؛ توانایی استفاده از اطلاعات برای رسیدن به هدفی خاص مانند حل مسأله؛ توانایی مقایسه اطلاعات بدست آمده با دانش موجود و افزودن به دانش؛ شناخت وظیفه اجتماعی خود در دسترسی به اطلاعات و استفاده از آن؛ گردآوری، سازماندهی و دسته‌بندی اطلاعات بدست آمده یا تولید شده و آگاهی از اینکه سواد اطلاعاتی پیش‌نیاز یادگیری مارام‌العمر است. این توانایی‌ها حاکی از آن است که سواد اطلاعاتی تنها مهارت نیست، بلکه یک روند فکری است که برای تقویت و شکل‌گیری آن باید به فرد آموزش داده شود (عبدی، 1389).

#### سواد اطلاعاتی و برنامه درسی

انجمن کتابداران امریکا (1998) دیدگاه ثابت خود از مفهوم سواد اطلاعاتی را از نقطه نظر یادگیری مادام‌العمر چنین بیان می‌دارد: آنچه ما بدنبال آن هستیم برنامه‌ریزی درسی تحصیل اطلاعات است. اما ترجیحاً بازسازی فرایند یادگیری بر اساس منابع اطلاعاتی در دسترس، به منظور یادگیری و حل مسأله در طول زندگی افراد نیز دنبال می‌شود؛ که نه تنها مهارت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان را تقویت می‌کند بلکه باعث توانمند شدن افراد در یادگیری مادام‌العمر و عملکرد مؤثر در مسئولیت‌های شهروندی تخصصی‌شان می‌شود (بادن، 2001). در گذشته دانش‌آموز زرنگ به کسی گفته می‌شد که قادر باشد محتویات درسنامه‌ها را در ذهن خود جای دهد، اما امروزه بدلیل حجم وسیع اطلاعات و گستردگی، پراکندگی و سرعت غیرقابل تصور تولید دانش در حوزه‌های گوناگون علم، ذهن انسان قادر به اندوختن این حجم نامحدود از دانش نمی‌باشد. از سوی دیگر، هیچ درسنامه‌ای نمی‌تواند دربرگیرنده تمام مطالب مفید مربوط به حوزه تخصصی خود باشد. امروز

دانش آموز درس خوان فردی است که قادر باشد با توجه به سرفصل مطالبی که در درسنامه آمده است به جستجوی مطالب بیشتر برای تکمیل و پاسخگویی به سؤالات خود در منابع چاپی و غیرچاپی و الکترونیکی بپردازد. چنین دانش آموزی، فردی پژوهنده و خلاق خواهد بود که بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی را بخوبی می‌داند و از آنجا که این فعالیت را در جریان عمل فراگرفته است، به زودی فراموش نمی‌کند (حری، 1383). طبیعی است که در عصر انفجار اطلاعات، تربیت دانش‌آموز باسواد اطلاعاتی و فراگیر پژوهنده و مادام‌العمر را یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت بدانیم. از همین رو است که بسیاری از کشورهای جهان سعی دارند آموزش‌های سواد اطلاعاتی را در برنامه‌های درسی نظام آموزشی خود بگنجانند و اکنون سواد اطلاعاتی به آموزش مرتبط شده و استانداردهایی برای آن تدوین گشته است (گارنر<sup>1</sup>، 2006). به عنوان مثال کشور نیوزیلند از سال 1993 دارای یک چارچوب آموزش رسمی ملی برای آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی در حوزه آموزش اجباری بوده است. در سنگاپور در سال 1991 کتابی تحت عنوان مهارت‌های اطلاعاتی منتشر شد که مشتمل بر دستورالعمل‌هایی در زمینه آموزش مهارت‌های اطلاعاتی به دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی است. در سال 1998 انجمن کتابداران آموزشی امریکا و انجمن فناوری و ارتباطات آموزشی کتاب قدرت اطلاعات را منتشر کردند که شامل استانداردهای سواد اطلاعاتی برای دانش‌آموزان از سطح کودکستان تا دبیرستان است. این استانداردها و شاخص‌ها بیانگر محتوا و روند اطلاعاتی است که دانش‌آموز در عرصه باسواد شدن باید به آنها تسلط یابد (حیدری و موسی‌پور، 1385). همچنین می‌توان به استانداردهایی که مرکز آموزشی اورت برای دانش‌آموزان از سطح کودکستان تا دوازده سالگی، تدوین نموده و در قسمت قبل در خصوص آنها توضیح داده شد، اشاره نمود.

جکوبسون و مارک<sup>2</sup> (2000) عقیده دارند که آموزش سواد اطلاعاتی، زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که با محتوای دروس و تکالیف دوره، همراه باشد (بیگدلی، 1383). به بیان دیگر، جایگاه سواد اطلاعاتی در برنامه درسی بیش از آنکه به عنوان یک واحد درسی در کنار سایر دروس مطرح باشد، یک رویکرد در آموزش است. بر این اساس، آموزش سواد اطلاعاتی در متن آموزش همه

---

<sup>1</sup> Garner

<sup>2</sup> Jacobson & Mark

دروس و همراه با آموزش همه دروس خواهد بود. البته می‌توان ضمن پیاده‌سازی رویکرد فوق در برنامه درسی، در یک آموزش تکمیلی، درسنامه جداگانه‌ای نیز تحت عنوان "مهارت‌های سواد اطلاعاتی"، متناسب با شرایط و ویژگی‌های فراگیران دوره ابتدایی تدوین نمود و در کنار سایر دروس، به طور خاص نیز آن را آموزش داد.

#### پیشینه تجربی تحقیق

پژوهش‌هایی که در داخل کشور در خصوص سواد اطلاعاتی صورت گرفته بیشتر در حوزه کتابداری بوده و یا به سنجش سطح سواد اطلاعاتی دانشجویان پرداخته است. در میان پژوهش‌هایی که در حوزه آموزش و پرورش صورت گرفته نیز پژوهشی که مشخصاً چارچوب برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی را مورد توجه قرار دهد، به چشم نیامد. در زیر به نتایج پژوهش‌هایی که از نظر موضوعی با پژوهش حاضر نزدیک می‌باشند، اشاره می‌گردد:

نتایج تحقیقی با عنوان "میزان توجه به سواد اطلاعاتی در درسنامه‌های بخوانیم و بنویسیم دوره ابتدایی" حاکی از آن است که به مفهوم سواد اطلاعاتی به طور صریح در هیچ‌کدام از درسنامه‌ها اشاره نشده و سازماندهی محتوای کتاب‌ها بر این اساس صورت نگرفته است (لطفی ماهر و درتاج، 1390).

حیدری همت آبادی (1385) پژوهشی درباره "شناسایی میزان توجه به سواد اطلاعاتی و هر یک از مؤلفه‌های آن در بخش مکتوب درسنامه‌های علوم تجربی دوره ابتدایی" با استفاده از روش تحلیل محتوا و بر اساس استانداردهای سواد اطلاعاتی انجام داده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد بیشترین فراوانی مربوط به مولفه‌ی احساس نیاز به اطلاعات و تعریف مسأله می‌باشد. همچنین در درسنامه‌های مورد بررسی به مفاهیم مکان‌های نگهداری اطلاعات، روش‌های جستجو، جایابی، دستیابی و گزینش اطلاعات هیچ گونه توجهی نشده است.

بر اساس نتایج تحقیقی با عنوان "طرح سلمان (سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان جمهوری اسلامی ایران)" الگوی مناسب برای آموزش سواد اطلاعاتی در چشم‌انداز بیست ساله آموزش و پرورش ایران، شامل ابعاد زیر می‌باشد: 1) مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه برنامه‌ریزی درسی سواد اطلاعاتی؛ 2) تحقیق و توسعه و انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در زمینه سواد اطلاعاتی؛ 3)

تأمین منابع مالی برای توسعه آموزش سواد اطلاعاتی؛ 4) تربیت کتابدار معلم 5) توجه بیشتر به کتابخانه مدرسه به عنوان مرکز یادگیری در مدرسه (عینی، 1388).

طباطبایی (1378) در پایان نامه خود با عنوان بررسی مفهوم سواد اطلاعاتی به این نتیجه رسیده که توجه به حوزه آموزش مفاهیمی مانند یادگیری مبتنی بر منابع اطلاعاتی و یادگیری مادام‌العمر و نیز مفاهیمی مانند یادگیری فعال، میزان دسترسی به سطوح بالاتر از سواد اطلاعاتی را افزایش خواهد داد. یادگیری مبتنی بر منبع، نوعی یادگیری فعال محسوب می‌شود. زیرا فراگیران، مسئول مکان‌یابی اطلاعات برای یادگیری بیشتر هستند و این رویکرد، مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر را توسعه می‌بخشد. دانش‌آموز یاد می‌گیرد از منابعی که در زندگی روزانه با آنها مواجه است، مثل کتاب، روزنامه، تلویزیون، پایگاه اطلاعاتی، متخصصان موضوعی و ... استفاده کند (هومز، 2005). اگر یادگیرنده روش‌های جستجو و دستیابی به اطلاعات صحیح را بیاموزد، به طور مستقل می‌تواند به حل مسئله بپردازد و یادگیرنده‌ای مادام‌العمر باشد.

نتایج مطالعه‌ای در نیوزیلند حاکی از آن است که اگر چه آموزش مهارت‌های اطلاعاتی در مدارس یک ضرورت است، اما به درستی در محتوای درسی گنجانده نشده است و نیز هر چند مربیان برای مهارت‌های اطلاعاتی ارزش قائل‌اند، اما آگاهی آنان در مورد آموزش چنین مهارت‌هایی اندک است. مطالعات نشان داده که گرچه با سیاست‌های موجود، آموزش سواد اطلاعاتی در مدارس الزامی است، اما اجرای آن در عمل، در نبود برنامه‌های مناسب برای توسعه حرفه‌ای معلمان و بدون همکاری با افراد دیگر نظیر کتابداران مدارس ابتدایی، بسیار دشوار خواهد بود (مور، 2000).

یافته‌های یک مطالعه تحقیقاتی در سوئد که به بررسی رفتار اطلاع‌جویی 25 دانش‌آموز سال - های آخر دبیرستان در رابطه با نکته‌یابی، توازن اطلاعات و تحلیل اطلاعات پرداخته است، نشان می‌دهد اطلاع‌جویی تا حد بسیار زیادی به دیدگاه فراگیر نسبت به محتوای موضوعی بستگی دارد (لیم‌برگ، 2000).

<sup>1</sup> Humes

<sup>2</sup> Moore

<sup>3</sup> Limberg

در سال 1998 انجمن کتابخانه‌های آموزشی آمریکا و انجمن فناوری و ارتباطات آموزشی<sup>۱</sup> در انتشار " قدرت اطلاعات: برقراری مشارکت در یادگیری " مشتمل بر استانداردهای سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان از کودکان تا دبیرستان، همکاری کردند. این اثر به استانداردهای مربوط به مهارت‌های اطلاعاتی و روش‌های تدریس آن برای دانش‌آموزان می‌پردازد. نهادهای آموزشی در اکثر ایالات آمریکا، اجرای این استانداردها را آغاز کرده‌اند و در پی سنجش پیامدهای حاصل از آن هستند. نتایج سنجش‌ها، آموزش مهارت‌های اطلاعاتی در مدارس را بسیار موفق ارزیابی نموده‌اند<sup>۲</sup>.

چارچوب پیشنهادی برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد و با در نظر گرفتن استانداردهای سواد اطلاعاتی و تلفیق آنها در عناصر اساسی برنامه درسی (هدف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی) ضمن توجه به ویژگی‌های فراگیران دوره ابتدایی از جمله شرایط سنی و رشد ذهنی آنان، چارچوب زیر برای برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی پیشنهاد می‌گردد.

#### اهداف برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی

هدف کلی برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی، پرورش دانش‌آموز پژوهنده و یادگیرنده مادام‌العمر و تقویت خودفرمانی، خودراهبری و خوداتکایی در یادگیری و تولید دانش است. در راستای این هدف کلی، اهداف زیر برای برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی مطرح می‌گردند:

- ایجاد نگرش مثبت در خصوص آینده‌نگری، و ترغیب دانش‌آموزان به داشتن اهداف ارزشمند در زندگی شخصی و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن اهداف (به عنوان انگیزه‌ای برای خودراهبری و یادگیری مادام‌العمر)
- ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموز در خصوص اهمیت کسب و توسعه دائمی دانش و مهارت در زمینه فناوری اطلاعات

<sup>1</sup> Association of Educational Communications and Technology

<sup>2</sup> Available at: [www.ala.org/aaslip-products.html](http://www.ala.org/aaslip-products.html)

• آشنا کردن دانش‌آموزان با روش‌ها، مواد و ابزارهای علمی و فناورانه در یادگیری و زندگی روزمره و توسعه دانش و مهارت آنان در بکارگیری مطلوب و بهینه فناوری اطلاعات و ارتباطات برای یادگیری مستقل

• آشنا کردن دانش‌آموزان با انواع منابع مفید و مرتبط با موضوع درس (اعم از چاپی، الکترونیکی، شفاهی)، انواع پایگاه‌های اطلاعاتی، کتابخانه دیجیتال و ...

• ایجاد نگرش مثبت و انگیزه و رغبت در دانش‌آموزان برای حل مسئله و مشارکت در تولید

علم

• ایجاد احساس نیاز به اطلاعات در فراگیر و توانایی تعریف مسئله

• تقویت مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی

• توسعه و تقویت دانش و مهارت دانش‌آموزان در زمینه جایی، دسترسی و گزینش

اطلاعات

• ایجاد مهارت درک، درون‌سازی و ثبت اطلاعات در دانش‌آموز

• ایجاد مهارت توانایی کاربرد صحیح اطلاعات در دانش‌آموز

• ایجاد و تقویت مهارت تجزیه و تحلیل، سازماندهی و پردازش اطلاعات در دانش‌آموز

• ایجاد آگاهی و بینش در دانش‌آموز نسبت به جنبه اخلاقی استفاده از اطلاعات و شیوه‌های

رعایت آن (از قبیل رعایت حقوق مؤلف)

• آشنایی دانش‌آموزان با جدیدترین مفاهیم کاربردی متناسب با سن آنان در حوزه مهارت-

های سواد اطلاعاتی و کارکردهای آنها

انتخاب و سازماندهی محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی

محتوای برنامه درسی باید در راستای تحقق اهداف تعیین شده برای برنامه درسی مبتنی بر

توسعه سواد اطلاعاتی و البته متناسب با ویژگی‌های یادگیرندگان در دوره ابتدایی باشد. بر این

اساس، اصول زیر برای تنظیم محتوا پیشنهاد می‌گردد:

• در تنظیم محتوا بایستی به ارزش تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و جستجوهای علمی در

پیشرفت‌های بشر، تلقی شکست به عنوان گامی در راه رسیدن به کامیابی، نقش افراد تأثیرگذار

بر افزایش علم و آگاهی بشر و همچنین بر اهمیت کسب دانش و مهارت در فناوری اطلاعات و استفاده از منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر و متعدد برای رشد و پیشرفت علمی فرد، توجه و تأکید شود.

• آموزش دانش و مهارت‌های رایانه‌ای پایه و مهارت‌ها و شیوه‌های جستجوی اطلاعات به دانش‌آموز بایستی جزئی از محتوای آموزشی گردد.

• در تنظیم محتوا باید استفاده از منابع گوناگون و متنوع (چاپی و الکترونیکی) و معرفی این منابع (منابع چاپی و غیرچاپی، پایگاه‌های مختلف اطلاعاتی، و افراد متخصص و مطلع) به دانش‌آموز و نیز فراهم آوردن فرصت‌ها، تجربیات و موقعیت‌های عملی برای بکارگیری مهارت‌های سواد اطلاعاتی توسط دانش‌آموز، مورد توجه قرار گیرد. همچنین محتوا باید علاوه بر آشنا نمودن دانش‌آموز با منابع اطلاعاتی مختلف، آموزش مهارت تشخیص منابع و اطلاعات معتبر از نامعتبر را نیز دربرگیرد.

• محتوا باید به گونه‌ای باشد که در دانش‌آموز انگیزه و شوق برای جستجوی اطلاعات ایجاد کرده و او را به اندیشیدن وادارد و به کسب ساده‌اندیشه‌ها مشغول نسازد. محتوا باید سؤالات و مسائلی را در ذهن دانش‌آموز ایجاد نماید و او را به گردآوری اطلاعات برای پاسخگویی به سؤالات ایجاد شده، تشویق و ترغیب نماید. درسنامه باید حاوی تکالیفی باشد که حضور ذهن بطلبد و با زندگی واقعی دانش‌آموز ارتباط داشته باشد. پروژه‌های تحقیقی مورد علاقه دانش‌آموز و متناسب با توانایی و آمادگی وی، می‌تواند مهارت‌های سواد اطلاعاتی دانش‌آموز را تقویت نماید.

• محتوا باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را دقیق و نکته‌بین نموده و دانش و آگاهی او را نسبت به چگونگی ثبت و تلفیق اطلاعات مختلف از منابع مختلف (چاپی، الکترونیکی و شفاهی) در خصوص یک موضوع واحد افزایش دهد. در تنظیم محتوا باید به ارائه متون مربوط به یک موضوع از دیدگاه‌های مختلف و ارتباط آنها با یکدیگر و چگونگی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از اطلاعات متعدد و گسترده، توجه شود. همچنین برقراری ارتباط میان موضوعات و اجزای مختلف هر درس با یکدیگر و نیز با سایر دروس، و جلب توجه دانش‌آموز در این زمینه، می‌تواند ذهن دانش‌آموز را در خصوص مهارت ترکیب اطلاعات و تولید دانش، تقویت نماید.

• در تنظیم محتوا باید آموزش مواردی نظیر فنون یادداشت‌برداری و خلاصه‌نویسی، چگونگی دسته‌بندی اطلاعات برای دسترسی‌های بعدی، و روش‌های سازماندهی اطلاعات مورد توجه قرار گیرد.

• آموزش فرایند امانت و گردش منابع کتابخانه‌ای و نحوه استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری و تجهیزات کتابخانه‌ای، باید جزئی از محتوای آموزشی باشد. همچنین گنجاندن مفاهیم و اصطلاحات کاربردی متناسب با سن دانش‌آموزان در زمینه مهارت‌های سواد اطلاعاتی و کارکردهای این مفاهیم، در محتوای درسی دوره ابتدایی باید مدنظر قرار گیرد.

• در تنظیم محتوا باید به مقررات و آئین‌نامه‌های استفاده از اطلاعات (جنبه اخلاقی استفاده از اطلاعات) و رعایت امانت‌داری و شیوه‌های استناد کردن توجه گردد و مقررات و شیوه‌های مذکور به دانش‌آموز نیز آموزش داده شود.

• در کنار تلفیق مهارت‌های سواد اطلاعاتی در تمام موضوعات درسی، متناسب با شرایط سنی و آمادگی ذهنی دانش‌آموزان، تدوین این مهارت‌ها در قالب یک درسنامه خاص با عنوان "آشنایی با مهارت‌های سواد اطلاعاتی" و آموزش آن به زبان ساده برای دانش‌آموزان نیز می‌تواند مفید واقع گردد.

به طور کلی در انتخاب و سازماندهی محتوا باید به اصولی همچون قابلیت‌های سواد اطلاعاتی، تلفیق و یکپارچگی و ارتباط و هماهنگی محتوای برنامه در کلیه دروس در زمینه قابلیت‌های مذکور، توالی یادگیری قابلیت‌های مذکور، میزان درک و آمادگی دانش‌آموزان در زمینه مهارت‌های سواد اطلاعاتی، تعادل، علاقه و رغبت دانش‌آموز، سودمندی و کاربردی بودن و قابلیت یادگیری توجه شود.

#### راهبردهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی

یادگیری با سه رکن یاددهنده، یادگیرنده و فضای یادگیری اتفاق می‌افتد. در آموزش سواد اطلاعاتی کتابدار معلم، دانش‌آموز و کتابخانه آموزشی را می‌توان سه رکن اصلی آموزش سواد اطلاعاتی به شمار آورد که با یک برنامه مدون و استاندارد مناسب برای کتابخانه آموزشی و گاهاً برگزاری کلاس درس در کتابخانه مجهز به فناوری‌های آموزشی و سایت رایانه‌ای متصل به شبکه اینترنت و فضای لازم و مناسب برای آموزش و انجام پروژه‌های گروهی و به طور کلی، اجرای فرایند یاددهی - یادگیری در یک محیط یادگیری غنی شده، می‌توان به تحقق اهداف آموزش سواد



اطلاعاتی در مدارس دست یافت. در فرایند یاددهی - یادگیری بایستی تعامل و مشارکت همزمان معلم و دانش آموز، بکارگیری فناوری اطلاعات و نرم افزارهای چندرسانه‌ای توسط معلم و دانش آموز و تسلط معلم بر مهارت‌های سواد اطلاعاتی و برخورداری وی از دانش و توانایی لازم در راهنمایی و هدایت دانش آموزان برای کسب مهارت‌های مذکور، مدنظر باشد. تنظیم راهنمای چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات و مهارت‌های سواد اطلاعاتی برای آموزش هر یک از موضوعات درسی نیز می‌تواند مفید و مؤثر باشد. در فرایند یاددهی - یادگیری باید به راهبردهایی نظیر کاوشگری، یادگیری فعال، روش حل مسئله، فراشناخت و خودراهبری فراگیر توجه شود. خودآغازگری و خودراهبری، نقطه عطف نگرش یادگیری بر اساس نظریه فراشناخت است. آگاهی، کنترل و هدایت سازمان شناخت خود را فراشناخت می‌گویند (حری، 1383). فراشناخت، موتوری است که خودراهبری را به حرکت درمی‌آورد. به نظر فلاول<sup>1</sup> فراشناخت، دانش فرد درباره فرایندها و محصولات شناختی خود یا هر چیز مرتبط با آنها از جمله ویژگی‌های مربوط به یادگیری اطلاعات و داده‌ها است. آگاهی فراشناختی مشتمل بر تعیین هدف، نظارت، خودارزشیابی و تنظیم در خلال فرایندهای اندیشیدن و نوشتن در هنگام مطالعه و انجام تکالیف است. آموزش فراشناختی، رویکرد فعالانه به آموزش است که طی آن به اهمیت و موقعیت کاربرد راهبردها و فرایندهای شناختی پرداخته می‌شود. هدف اساسی از آموزش فراشناختی، خودکنترلی و خودآموزی است تا فراگیران، یادگیرندگان مستقلی شوند که بتوانند فرایندهای شناختی و یادگیری‌شان را در جهت اهداف تعیین شده خود، هدایت، نظارت و اصلاح کنند. بنابراین لازم است فراگیران در زمینه‌هایی از قبیل نظام‌دهی، نظارت بر خود، برنامه‌ریزی و تعیین هدف، آموزش لازم را ببینند تا بر راهبردهای شناختی تعمیم‌یافته‌ای مسلط گردند تا پایه یادگیری‌های جدید گردد (شمس و حسینی، 1392). کشف خود در درون اطلاعاتی که دانش آموز کسب می‌کند، داوری درباره مطالبی که می‌آموزد، به میدان کشیدن خود و تجربه و به کار بستن آموخته‌ها در زندگی، از جمله اصول نظریه فراشناخت هستند (حری، 1383).

در راهبردهای یاددهی - یادگیری باید بر ارجاع دانش آموز به کتابخانه و منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی تأکید گردد. به طور کلی، در راهبردهای یاددهی - یادگیری بایستی بر تغییر نقش حرفه‌ای معلم از "دانایی در صحنه به راهنمایی در حاشیه"، تبدیل معلم به هم‌آموز، تسهیل کننده و پوشش

<sup>1</sup> Flavell

---

دهنده نیاز دانش‌آموزان و یاور آنان در فراگیری صحیح، توجه شود و بر پرسشگری به جای پاسخ دادن، تأکید گردد. همچنین راهبردهای یاددهی - یادگیری باید از ویژگی‌هایی نظیر چالش‌محوری، مسأله‌محوری، یادگیری مستقل و هدایت شده، جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون و متعدد، فرضیه‌سازی و آزمایش آن و جمع‌بندی برخوردار باشد.

---

روش‌های ارزشیابی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی

چهارمین عنصر چارچوب پیشنهادی برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی، روش‌های ارزشیابی است که ناظر به سایر عناصر برنامه درسی یعنی اهداف، محتوا و راهبردهای یاددهی - یادگیری بوده و معیارهای توسعه سواد اطلاعاتی را دربرمی‌گیرد و دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- می‌توان تکالیفی مبنی بر گردآوری اطلاعاتی راجع به موضوع یا مسئله مرتبط با محتوای درس از منابع اطلاعاتی (چاپی و الکترونیکی) و از افراد صاحب اطلاع به دانش‌آموز واگذار کرد و عملکرد او را در انجام تکلیف موردنظر از جنبه‌های نگرشی، دانشی و توانشی و بر مبنای مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی مورد ارزیابی قرار داد.
- در ارزیابی‌ها باید از دانش‌آموز خواسته شود تا تناسب یا عدم تناسب میان بخش‌های مختلف مطالب ارائه شده در خصوص یک موضوع یا مسئله را بررسی نماید و تشخیص دهد. همچنین باید از دانش‌آموز خواسته شود تا چکیده (خلاصه) مطلب ارائه شده را تهیه نماید.
- در ارزشیابی‌ها بایستی مهارت دانش‌آموزان در تجزیه و تحلیل و ارزیابی اطلاعات (مقایسه، نتیجه‌گیری و قضاوت)، استنباط کردن از اطلاعات، تفسیر اطلاعات و توانایی پیش‌بینی بر اساس اطلاعات موجود، به طور واقعی و عملی مورد ارزیابی قرار گیرد.
- در ارزشیابی بایستی عملکرد دانش‌آموز در استفاده از منابع و تجهیزات کتابخانه، و مهارت‌هایی نظیر کاربرد صحیح فناوری اطلاعات، مهارت‌های جستجوگری و پردازش اطلاعات و خودراهبری فراگیر در عمل، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. برای مثال ارزشیابی و نحوه برگزاری امتحان باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز ناگزیر از مراجعه به منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف گردد.
- در ارزشیابی‌ها باید به اصولی همچون مستمر بودن و عدم وابستگی به زمان و مکان، مشارکتی و جامع بودن توجه شود و سعی شود از ارزشیابی‌های تکوینی، مرحله‌ای، و مبتنی بر پروژه که مرتبط با روش حل مسئله است، استفاده گردد.
- در ارزشیابی بایستی سنجش مواردی نظیر مهارت در پیدا کردن اطلاعات مفید و معتبر، مهارت در ثبت و سازماندهی اطلاعات، مهارت در ایده‌پردازی و تولید داده‌ها، و نیز مهارت در

رعایت قوانین و مقررات استفاده از اطلاعات و به طور کلی سنجش میزان پیشرفت دانش آموز در حوزه مهارت‌های سواد اطلاعاتی، مدنظر قرار گیرد.

- در مجموع، می‌توان یک نظام ارزشیابی مبتنی بر مهارت‌های سواد اطلاعاتی برای هر یک از دروس برنامه درسی ایجاد و پیاده کرد.

### بحث و نتیجه‌گیری:

در عصر کنونی بسیاری از مفاهیم از جمله مفهوم سواد تغییر یافته است. بنا بر اعلام سازمان یونسکو از سال 2000 بیسواد به کسی اطلاق می‌شود که توانایی کار با رایانه را نداشته باشد و امروزه دیگر حتی مهارت استفاده از رایانه نیز هدف نیست؛ بلکه در عصر اطلاعات، نوع دیگری از سواد مطرح گردیده و آن "سواد اطلاعاتی" است (شریف‌مقدم و طالبی، 1384). به تعبیر راکمن (2004) سواد اطلاعاتی، مورد نیاز جامعه اطلاعاتی است. بارباراجی فورد نیز معتقد است در عصر انفجار اطلاعات، توانایی دستیابی، بازیابی و ارزیابی اطلاعات باید به عنوان عامل برجسته تعریف سواد به شمار آید و لذا سواد اطلاعاتی باید جزئی از تجربه آموزشی هر دانش‌آموز باشد. وی معتقد است در دنیای نامحدود اطلاعات، دانستن باید شامل مهارت‌های ذهنی لازم برای یافتن، جداکردن و ترکیب اطلاعات باشد (ایفلا، 1994). با توجه به اهمیت سواد اطلاعاتی در قرن 21، برنامه‌های درسی در سطوح مختلف آموزشی باید به گونه‌ای تدوین شود که دانش‌آموزان و دانشجویان علاوه بر کسب دانش و مهارت‌های ضروری در حوزه موضوعی مورد نظر، مهارت‌های پایه‌ای سواد اطلاعاتی را نیز بیاموزند. چرا که سواد اطلاعاتی، مهارت چگونه آموختن است و بینش یادگیرندگان را به فرایند تولید، توزیع و استفاده از اطلاعات تعمیق می‌بخشد. تاکنون در کشورهای مختلف اقدامات متعددی در خصوص تلفیق مهارت‌های سواد اطلاعاتی در برنامه‌های درسی انجام شده است. متأسفانه سواد اطلاعاتی در برخی کشورهای در حال توسعه، بیشتر به عنوان نیاز محققان، استادان و دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی در نظر گرفته می‌شود در حالیکه سنگ بنای آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی باید از همان سال‌های ابتدایی و متوسطه گذاشته شود تا در دوره‌های تحصیلات دانشگاهی که نیاز به تحقیق و پژوهش، شکل کامل‌تر و پیشرفته‌تری به خود می‌گیرد، این آموزش قبلاً صورت گرفته (شریف‌مقدم و طالبی، 1384) و مهارت‌های آن در وجود فراگیر، درونی و نهادینه شده باشد. لذا برای جلوگیری از ناتوانی‌های آینده، بیش از هر گروهی، کودکان نیاز به

یادگیری مهارت‌های سواد اطلاعاتی دارند. ضمن اینکه همچنین جا دارد دانش‌آموزان دوره ابتدایی با کسب مهارت‌های سواد اطلاعاتی از امکانات و گستردگی اطلاعات در جهان امروز برای یادگیری عمیق و گسترده‌تر در خصوص محتوای درسنامه‌های خویش، به نحو مطلوبی استفاده ببرند. کودکان از یادگیری به وجد می‌آیند و مرتباً سؤال می‌کنند و به منظور هدایت و به جریان انداختن این هیجان ذاتی، سال‌های اولیه مدرسه، بهترین زمان آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی است. اکثر نظریه‌پردازان نیز مدارس را به عنوان اولین مرحله بنیادی کسب مهارت سواد اطلاعاتی تشخیص داده‌اند (روسل، 2004). جکوبسون و مارک (2000) عقیده دارند که آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی، زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که با محتوای دروس و تکالیف دوره، همراه باشد (بیگدلی، 1383). به بیان دیگر، جایگاه سواد اطلاعاتی در برنامه درسی بیش از آنکه به عنوان یک واحد درسی در کنار سایر دروس مطرح باشد، یک رویکرد در آموزش است. با عنایت به مطالب فوق و با توجه به اهمیت آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی در متن برنامه درسی به عنوان یک ضرورت آموزشی از همان سال‌های اولیه تحصیل، تحقیق حاضر، با در نظر گرفتن عناصر اساسی برنامه درسی (هدف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی) و استانداردهای سواد اطلاعاتی که توسط انجمن کتابخانه‌های آموزشی امریکا، انجمن کتابخانه‌های ملی و دانشگاهی انگلیس، و انجمن کتابداران استرالیا و نیوزیلند تهیه شده است، چارچوبی کلی را برای برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی ارائه نموده است. از آنجا که در بررسی‌های صورت گرفته توسط محققان مقاله حاضر، پژوهشی که به طور مشخص در خصوص چارچوب برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی دوره ابتدایی در کشور انجام گرفته باشد، به چشم نیامد، چارچوب پیشنهادی مقاله حاضر می‌تواند به عنوان مبنایی برای تحقیقات آینده در نظر گرفته شود و با انجام پژوهش‌های میدانی، مورد توسعه و تکمیل قرار گرفته و نهایتاً الگوی مطلوب برای برنامه درسی مبتنی بر توسعه سواد اطلاعاتی در دوره ابتدایی کشور، تدوین و اعتباریابی گردد.

**کتابنامه:**

- ام. گالر و دیگران (1378). *سواد اطلاعاتی الگویی برای استفاده در کتابخانه‌های آموزشگاهی*. ترجمه مهدی داوودی، گزیده مقالات ایفلا (1997). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ایفلا (2002). *کتابخانه‌های آموزشگاهی؛ رهنمود یونسکو/ایفلا*. ترجمه اکرم عینی، انتشار در سایت ایفلا بخش ترجمه فارسی به آدرس [www.ifla.org](http://www.ifla.org)
- بیگدلی، زاهد (1383). نگاهی دیگر به آموزش استفاده‌کنندگان از کتابخانه. همایش آموزش استفاده‌کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها.
- حرّی، عباس (1383). *اطلاعات، جامعه اطلاعاتی و ساختارهای معرفتی ایران و جامعه اطلاعات*. قابل دستیابی از طریق [WWW.Iranwsis.org](http://WWW.Iranwsis.org)
- حیدری همت آبادی، زهرا (1385). شناسایی میزان توجه به سواد اطلاعاتی در درسنامه‌های علوم تجربی دوره ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- حیدری همت‌آبادی، زهرا و موسی‌پور، نعمت‌الله (1385). آموزش سواد اطلاعاتی گامی تازه در برنامه درسی دوره ابتدایی. ششمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی: نوآوری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی.
- حیدری همت‌آبادی، زهرا؛ موسی‌پور، نعمت‌الله و حرّی، عباس (1386). *مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره 4، صص 29-48*.
- سازمان پژوهش و تألیف کتاب‌های درسی (1381). کتاب فارسی (بخوانیم و بنویسیم) مقطع ابتدایی (راهنمای تدریس). تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- شریعتمداری، علی (1375). *چند مبحث اساسی در برنامه‌ریزی درسی*. تهران: انتشارات سمت.
- شریف مقدم، هادی و طالبی، بی‌بی زهرا (1384). سواد اطلاعاتی و مسئولیت خطیر آموزش و پرورش. *آموزش علوم اجتماعی*، شماره 27، صص 43-40.
- شمس، غلامرضا و حسینی، نیره (1392). *آموزش سازمانی: انتقال آموزش به محیط کار*. تهران: انتشارات باور عدالت.
- شورای عالی آموزش و پرورش (1385). *آیین‌نامه نحوه تدوین و تصویب برنامه درسی*. قابل دستیابی از طریق [www.sce.ir](http://www.sce.ir)
- طباطبایی، ناهید (1378). بررسی مفهوم سواد اطلاعاتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- عبدی، فریدون (1389). سواد اطلاعاتی (مفاهیم، آموزش، استانداردها و مدل‌های آن). مدیریت نظامی، سال دهم، شماره 38، صص 84-59.

عینی، اکرم (1388). طرح سلمان (سواد اطلاعاتی دانش آموزان جمهوری اسلامی ایران). همایش ملی کتابخانه های آزمایشگاهی: پویاسازی نظام آموزشی و مشارکت در فرایند یاددهی - یادگیری.

فورد، بارباراجی (1374). سواد اطلاعاتی به عنوان یک مانع. ترجمه ثریا قزل ایاغ در گزیده مقالات ایفلا (1994)، زیر نظر عباس حرّی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.  
گوتک، جerald ال (1388). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک سرشت. تهران: انتشارات سمت.

لطفی ماهر، ناهید و درتاج، فریبرز (1390). میزان توجه به سواد اطلاعاتی در درسنامه های بخوانیم و بنویسیم دوره ابتدایی. *مطالعات برنامه درسی ایران*، سال ششم، شماره 23، صص 110-131.

لوی، اریه (1386). *برنامه ریزی درسی مدارس*، ترجمه فریده مشایخ. تهران: انتشارات مدرسه. مذبوحی، سعید؛ ملکی، حسن؛ بهشتی، سعید؛ عباس پور، عباس و مفیدی، فرخنده (1392). الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در دوره ابتدایی آموزش و پرورش. *روانشناسی تربیتی*، سال نهم، شماره 29، صص 149-192.

منصوریان، یزدان (1383). نقش وبسایت کتابخانه ها در ارتقای سواد اطلاعاتی. همایش آموزش استفاده کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی در کتابخانه ها.  
نوروزی، عبدالرضا (1383). سیاست های سواد اطلاعاتی در جوامع اطلاعاتی. همایش آموزش استفاده کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی در کتابخانه ها.

Allan A. Glatthorn; Floyd Boschee; Bruce M. Whitehead & Bonni F. Boschee (2011). *Curriculum Leadership: Strategies for Development and Implementation*. www.sagepub.com

American Library Association (ALA) (1998). American Library Association Presidential Committee on Information Literacy. Chicago: American Library Association. Available at: <http://www.ala.org/acrl/nili/ilitl st.html>

Arnon, Marilgn P. (2005). A unique approach to introducing information literacy in the primary grades. AASL \_<sup>12</sup> th National conference and Exhibition pilt sburgh, pensylvania.

Bawden, David (2001). Information and Digital literacies: A Review of Concepts. *Journal of Documentation*.

---

Beauchamp, A. (1981). Curriculum theory. Illinois, Cagy press.

Eash, M.L. (1991). Curriculum components in levey(ed) OP.cit.

Eisner, F. (1994). Educational Imagination: on the Design and Evaluation of school programs: third Edition.

Garner, Sarah Devotion (2006). High-Level Colloquium on Information Literacy and Lifelong Learning. Report of a Meeting Sponsored by the United Nations Education, Scientific, and Cultural Organisation (UNESCO), National Forum on Information Literacy (NFIL) and the International Federation of Library Associations and Institutions (IFLA Bibliotheca Alexandrina, Alexandria, Egypt .November 6-9, 2005).

Humes, Barbara (2005). Understanding Information literacy. <http://www.libraryinstruction.com/info.lit.html>.

Lee, J. Y. (2006). A study on the development of evaluation model for undergraduate students' information Literacy. Retrieved from <http://archive.ifla.org/IV/ifla72/papers/125-Lee-en.pdf>

Limberg, L. (2000). Is There a Relationship between Information Seeking and Learning Outcomes?. Wagga Wagga, New South Wales: Charles Sturt University.

Moore, P. (2000). Learning Together: Staff Development for Information Literacy Education. Wagga Wagga, New South Wales: Charles Sturt University.

Rockman, I. F. (2004). Integrating Information Literacy into the Higher Education Curriculum: Practical Models for Transformation. San Francisco: Jossey-Bass.

Russell, P. (2004). Information literacy and education policy: An instrumental case study of the Ontario public school curriculum. Thesis (M.I. St.), University of Toronto.



---

UNESCO. (2002). Information and communication technology in education: A curriculum for schools and programme of teacher development. France: UNESCO.

